# [نود و هشت]

## [رمز تحدّی قرآن]

> در اصل توسط **hosyn** نوشته شده است
>
> **سوره قرآن**
> 17|88|قل لئن اجتمعت الإنس والجن على أن يأتوا **بمثل هذا القرآن** لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا

تحلیل هویتهای شخصیتی پسین، میتواند بسیار غامض و پیچیده باشد، بخصوص هویتهایی که از پشتوانه زبان برخوردار هستند، زبان(Language) غیر از کلام(Speech) است، زبان منبع تولید کلام است، هر چند خود زبان مثل زبان فارسی، هویت شخصیتی پسین دارد، اما کلام(سخن،گفتار) فارسی که از زبان فارسی تولید میشود محتاج تحلیل جداگانه از هویت شخصیتی پسین خود است.

مقدمات دیگری هست که اگر بخواهم به آنها بپردازم از اصل نکتهای که راجع به اعجاز قرآن کریم و تحدی آن است باز میمانم، و اگر فرصت شد بعدا نکات دیگر را بررسی میکنیم.

نکته اصلی که میخواهم عرض کنم اینکه تحدی قرآن کریم در مقابل جن و انس، یک تحدی لایهای است، تحدی، یک رمز اصلی و لایه مرکزی دارد، و آن اصل است، تحدی به هویت شخصیتی قرآن کریم است، اما از آنجا که هویت شخصیتی، شئون بسیار زیادی دارد، این تحدی اصلی و مرکزی، خود را در لایههای دیگر هم نشان میدهد.

در چند پست قبلی عرض کردم که وقتی قرآن جن و انس را دعوت میکند که همکاری کنند و پشت در پشت یکدیگر بیایند تا مثل قرآن بیاورند، تمام هویت قرآن را مورد تحدی قرار میدهد، یعنی تحدی را متوجه لایه مرکزی و اصلی میکند:

> **۱۷|۸۸|قل لئن اجتمعت الإنس والجن على أن يأتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا[1]**

ترجمه کاویانپور:

>

> **بگو، اگر انسانها و جنیان همه جمع شوند و بخواهند نظیر این قرآن را بیاورند، هرگز نمیتوانند نظیر آن را بیاورند، هر چند به همدیگر کمک کنند.**

در این آیه از یک واقعیت سخن میگوید، اما در بعض آیات دیگر که با مخاطب محاجه میکند، هر چند نام از سوره میبرد اما آن را مقدمه اشاره به رمز اصلی تحدی قرار میدهد:

> **١١|١٣|أم يقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقين ، فإلم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله وأن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون[2]**

> **يا اينكه ميگويند: (قرآن) ساخته و پرداخته خود اوست. بگو، پس شما هم با كمك كساني كه توانايي دارند (و اهل علم و دانشند) ده سوره نظير آن ساخته‌ها را بدون وحي خدا بياوريد، اگر شما راست ميگوييد. (١٣) و اگر آنها نتوانستند جواب شما را بدهند، بگو، پس بدانيد كه (اين كتاب) تنها بعلم خدا نازل شده است و بدانيد جز او هيچ معبودي نيست. با اينحال آيا شما اسلام را خواهيد آورد؟ (١۴)[3]**

به فاء «**فاعلموا انما انزل بعلم الله**» دقت کنید، میفرمایدی اگر نتوانستید پس بدانید که این به علم خدا نازل شده، خدا و علم خدا، یعنی چه؟ یعنی جن و انس و... همگی جمع شوند، مخلوق هستند، خدا نیستند، مبدء تکوین نیستند، احاطه به همه چیز ندارند، پس نمیتوانند مثل قرآن که آیینه تمام نمای علم خدا و مبدء مطلق است بیاورند، پس قرآن از آن حیث که هویتش، تدوین تمام تکوین است، مورد تحدی است، نه اینکه مثل فصاحت و بلاغتش محور تحدی باشد.

و همچنین این آیات بعدی را ملاحظه کنید، چند ترجمه که نگاه کردم هیچکدام «تفصیل الکتاب» را درست ترجمه نکردند:

> **١٠|٣٧|وما كان هذا القرآن أن يفترى من دون الله ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين ، أم يقولون افتراه قل فأتوا بسورة**

> **مثله وادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقين ، بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه ولما يأتهم تأويله كذلك كذب الذين من قبلهم فانظر كيف كان عاقبة الظالمين[4]**

ترجمه كاويانپور:

> **و اين قرآن كتابى نيست كه بتوان آن را بغير خدا نسبت داد (كلام خداست) و كتاب آسمانى پيشين را تأييد و تصديق ميكند و آن را بتفصيل بيان ميدارد. هيچ شك و ابهامى در آن نيست كه از جانب پروردگار عالميانست. (۳۷) آيا ميگويند: كه آن ساختگى است؟ بگو، اگر راست ميگوييد و در اين گفتاراتان صادقيد، سورهاى نظير (يكى از سورهها) آن بياوريد و غير از خدا از هر كسى ميخواهيد و ميتوانيد كمك بگيريد. (۳۸) (چنان نيست كه ميگويند) بلكه چيزى را تكذيب ميكنند كه معلوماتى درباره آن ندارند و حقيقت آن را درك نكردهاند. گذشتگان آنان نيز (آيات خدا و پيامبران او را) تكذيب كردند. پس بنگر سرانجام كار ستمكاران چگونه بود. (۳۹)**

به عبارت: «**لم يحيطوا بعلمه**» نگاه كنيد، ميفرمايد سنخ علم قرآن، سنخ علمى است كه تمام ما سوى الله را ياراى احاطه به علم آن نيست، چرا؟ چون علم خداست، و غير خدا ممكن نيست به علم خدا احاطه پيدا كند.

همچنين دقت بفرماييد در: «**بسورة مثله**» ابتدا «**هذا القرآن**» دارد و ضمير ه در «**مثله**» به قرآن برميگردد، نه به سوره كه مؤنث است، و اين نكته را در چند پست قبل عرض كردم كه اگر به سوره تحدى ميشود، به خود سوره نيست، بلكه به عنوان سورهاى از قرآن، مورد تحدى است، تحدى اربيتالى و لايههاى است، يعنى سوره به عنوان عضوى و جزئى از كل مورد تحدى است، و اين نكته مهمى است كه لوازم زيادى دارد، و اگر در الفاظ قرآن، در معارف توحيدى قرآن، در پيام محورى قرآن، در انگيزش دار بودن پيام محورى قرآن، در فصاحت و بلاغت و بيان قرآن، در دخالت صرف در اتوانى مورد تحدى قرآن، در اخبار به غيب قرآن، در نظم رياضى قرآن، و.. ادعاى معجزه بودن قرآن شود، همگى بايد با ملاحظه لايه مركزى تحدى، يعنى تدوينى تكوينى بودن قرآن، فهم شود.
و متاسفانه ترجمهها عبارت «**و تفصيل الكتاب**» را دقيق معنا نكردند، واژه «الكتاب» لغت خاص خود در فرهنگ قرآن كريم دارد، الكتاب يعنى جمعگى كتاب، همه كتاب، نه هر كتاب آسمانى اى...، قرآن باز شده همه كتاب است، كه اين مطلب مجال بيشترى نياز دارد اگر توفيق بود ان شاء الله تعالى

[1] سوره الاسراء، آیه ۸۷

[2] سوره  هود، آیه ۱۴

[3] ترجمه كاوياني‌پور، ص: ۲۲۳

[4] سوره  یونس، آیه ۳۷-۳۹

---

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 15:16:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 15:22:35 توسط ... .